

بسم الله الرحمن الرحيم

کتیبه‌های فیروزه‌ای

پژوهشی در اشعار سروده شده در ستایش
حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ علیه السلام در ادبیات فارسی

به کوشش:

مرضیه مرادی

معصومه مرادی

انتشارات رخسید

۱۳۹۳

سرشناسه	:	مرضیه مرادی، معصومه مرادی
عنوان و نام پدیدآور	:	کتیبه‌های فیروزه‌ای / مرضیه مرادی و معصومه مرادی
مشخصات نشر	:	شیراز رخشید ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	:	۳۳۶ ص
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۳-۱۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	شعر آیینی، حضرت احمد بن موسی الکاظم(ع)
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ م ۴ الف / PIR۴۰۵۳
رده بندی دیویی	:	۸۱۰۰۸/۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۵۴۴۱۷۴



شیراز، بلوار نیایش، کوچه ۱۱، پلاک ۷۸
رایانامه: mojtaba.jafari55@yahoo.com

کتیبه‌های فیروزه‌ای

پژوهشی در اشعار سروده شده در ستایش حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ(ع) در ادبیات فارسی

به کوشش: مرضیه مرادی، معصومه مرادی

ناشر: رخشید

آماده‌سازی کتاب: سید مجتبی جعفری زوج

طرح جلد و صفحه‌آرایی: مرضیه مرادی

چاپ اول: ۱۳۹۳

لیتوگرافی: شیراز اسکندر

چاپ و صحافی: مصطفوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۳-۱۳-۷

فهرست

۷	 سرسخن
۱۹	 ویژگی‌های اشعار سروده شده در ستایش حضرت شاهچراغ علیه السلام
۴۳	 سیمین آقابابایی
۴۹	 شیخ محمد جواد آیت اللهی دارابی شیرازی
۶۰	 ابوالقاسم راز شیرازی
۶۲	 محمد باقر اثنی عشری
۶۵	 امین احراری
۶۷	 هاشم ادیب
۷۰	 احمد علی ازهار
۷۷	 محمد مهدی اسدزاده
۸۱	 سجاد اسدی
۸۳	 محمدرضا اکبری
۸۵	 عنایت الشریعه
۸۸	 رضا اسماعیلی
۹۱	 محمد شمس اصطهباناتی
۹۳	 عبدالحسین انصاری
۹۵	 محمدعلی فرخ بواناتی
۹۷	 خدیجه بهاری نژاد خوب
۹۸	 صدیقه بیدپایی
۱۰۰	 بهمنش پارسا
۱۰۲	 ایوب پرندآور
۱۰۴	 فروغ تنگاب
۱۰۷	 پروین جاوید نیا

۱۰۹	محمد خلیل جمالی
۱۱۱	زہرا سادات جعفری
۱۱۳	سید مجتبیٰ جعفری زوج
۱۱۵	ملیحہ جویری
۱۱۸	حبیب اللہ حسینی میر آبادی
۱۱۹	احمد حشمت زادہ
۱۲۳	علی حقیقی پور
۱۲۶	مجتبیٰ حیدری
۱۲۷	خادم
۱۳۰	فروزندہ دثری
۱۳۳	سید علی دستغیب بہشتی
۱۳۵	احد دہ بزرگی
۱۴۸	عبدالحمید رحمانیان
۱۴۹	منصور رستگار فسائی
۱۵۲	لیلانجیر
۱۵۴	حمید روزیطلب
۱۵۵	اشرف رهنما
۱۵۷	رحمان زارع
۱۵۹	آذر زمانی
۱۶۲	شمیم زمانی
۱۶۴	سید فخرالدین سبحانی
۱۶۶	بیژن سمندر
۱۶۸	مرجان سیرماویان
۱۷۰	سید نظام الدین محمد بن حسن الحسنی «شاه داعی»
۱۷۲	شعاع الملک

۱۷۴	حمیدرضا صابری
۱۷۶	عذرا صابری
۱۷۸	نعمت الله صادقی
۱۸۲	محمدصادق صالحی کوهنجان
۱۸۳	شیما صفرزاده
۱۸۴	مصیب صفری
۱۸۸	میلاد عرفان پور
۱۹۰	گل افروز علی عسگری
۱۹۳	پریوش عصفوری
۱۹۷	غلامحسین عزیزآبادی
۲۰۱	سید حسین عمرانی
۲۰۴	فاطمه فاضلی
۲۰۷	سارا فخرزاده
۲۰۸	هادی فردوسی
۲۰۹	عبدالعلی فصحتی
۲۱۱	محمد تقی فصیح الملک
۲۱۵	حاج میرزا محمد تقی فصیح الملک (شوریده)
۲۲۲	لیلا فکور
۲۲۴	محمد قدسی
۲۲۶	اعظم قلندری
۲۲۸	روح الله قناعتیان
۲۳۰	شیخ مهدی کازرونی
۲۳۲	لیلا کوهی
۲۳۳	علی کوهی سعدی
۲۳۵	کریم محمود حقیقی

۲۴۱	عبداله مرادی
۲۴۵	محمد مرادی
۲۵۱	مرضیه مرادی
۲۵۴	معصومه مرادی
۲۵۸	عبدالرضا مروئی
۲۶۰	سید علی مزارعی شیرازی
۲۶۳	منصور مصیبی
۲۶۵	منصور مصیبی
۲۶۷	کمال مشکسار
۲۷۰	شیخ مفید «داور»
۲۷۷	میرزا علاءالدین منصوری
۲۸۱	سید محمد علی منعمی
۲۸۳	غلام علی مهدیخانی
۲۸۸	سودابه مهیجی
۲۹۲	پروانه نجاتی
۲۹۵	عبدالوهاب نورانی وصال
۳۰۲	علی واتقی
۳۰۳	ابوالفضل وصال شیرازی
۳۰۸	محمد جعفر واجد
۳۱۰	وقار شیرازی
۳۱۲	نذا هدایتی فرد
۳۱۴	احمد هنرمند
۳۱۶	عبدالوهاب یزدانی
۳۱۷	فهرست اعلام
۳۲۲	فهرست منابع کتابخانه ای
۳۲۴	منابع اینترنتی

سر سخن

هو الولی الحمید

در دهن من سخن مطلق است لاف انا الحق که نه انت الحق است
حق ز انا الحق به وجود اسبق است حق که بود؟ آن که به حق ملحق است

حضرت میر احمد (ع) مولای من

بارگاه نور کبریایی خداوندی سیدالسادات الاعظم حضرت امیر احمد بن موسی الکاظم (ع)
افزون بر فیض معنوی و برکات ویژه‌ی الهی میراثی گران سنگ و افتخاری بی‌بدیل برای
شهر عزیز شیراز است.

قرن‌هاست که دل‌های رمیده و جان مشتاق خود را در این کشتی نجات رسانده‌اند و شمیم
روح‌نواز رسالت و ولایت را در این کعبه‌ی عاشقان یافته‌اند. ارباب کشف و ذوق و حال در
آینه‌ی پاک آن وجه الهی، جمال احمدی و صولت حیدری و عصمت فاطمی را به عیان
نگریسته‌اند و هستی خود را به کیمیای عنایت آن سرّ الهی به خلوص رسانده‌اند.

به قول راز شیرازی که خود از فیض یافتگان آن آستان الهی است:

به هر حاجت تراب آستانش را کنی سجده

یقین مقصد روا گردد تو را از رب مناش

به شبها گر کنی بیتوته از صدق اندرین روضه
بسی نور و فتوح آید تو را از بر و احسانش
تراب کوی او آمد به معنی طور اهل دل
چو نور از جد و باب او گرفتی پور عمرانش

بارگاه احمدی قاف شهر راز است. کوه رحمتی است که مقصد سیمرغان است:

سیمرغ دل از به قاف قربت برسد از هر پر او صدای قربت برسد
پرواز کنان دلم به دامت مایل زان شد که در آن حریم قربت برسد

لامکان در گستره‌ی بی‌پایان قلب مقدسشان، که بیت المقدس حقیقی و عرش تجلی الهی است، ناپیداست؛ اما دو جلوه‌ی ویژه‌ی رسالت و ولایت هندسه‌ی عقلی و جان‌مایه‌ی مداعی است که به عشق و احترام اهل بیت(ع) سروده شده است: یکی آن که ایشان شاهدان الهی‌اند؛ دیگر آن که محبوبان خدا و خلق‌اند.

فکیف اذا جئنا من کل اُمة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهداء

پس حال [آنان] چگونه باشد آن‌گاه که از هر امتی شاهدی به میان آوریم و تو را گواه بر اینان آوریم.

مقام شاهی میراثی نبوی است که اوصیای محمدی(ع) به طور اخص از آن برخوردارند؛ چرا که ایشان به روح امری الهی زنده‌اند و در مقام عنایت از فیض خاص‌الخاص حضرت احدیت برخوردار. از این رو آن‌چه در ثنای این خاندان سروده شده است سخنی زنده است در خطاب به ممدوحی که نه تنها زنده بلکه حیات‌بخش است. تأملی در سخن ستاینده‌گان اهل بیت(ع) شاهی بر این مدعاست. جنبه‌ی دیگری که جان‌مایه‌ی مذایح اهل بیت(ع) است مقام و محبوبی و مطلوبی ایشان است. از جمله‌ی زیرساخت‌های کلامی امامت در شیعه این

است که شخص امام فی نفسه محبوب و مطلوب است. طبق قاعده‌ی لطف واجب است که خدای مهربان امام را برای راهنمایی خلق نصب کند؛ زیرا وجود او عین لطف است و لطف واجب است.

خرد انسانی نیز وجود او را واجب می‌داند؛ زیرا بی او کار بشر نابسامان و آشفته است (کشف‌المراد علامه‌ی حلی صص ۳۶۳ و ۳۶۲).

در اندیشه‌ی شیعه هر کس بی امام زندگی کند در عین تاریکی است (اصول کافی کتاب الحجه ص ۳۴۶) و آن کس که بمیرد و پیشوای معصومی نداشته باشد در جاهلیت مرده است. (همان ۲۶۹)

عشق و طلب این راهنمای آسمانی از ویژگی‌های اساسی شیعیان واقعی است.

حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام خطاب به ابو حمزه فرموده اند: "یا اباصالح مخرج احدکم فراسخ فیطلب لنفسه دلیلاً و انت بطرق السماء اجهک منک بطرق الارض فطلب لنفسک دلیلاً" (همان ۲۴۵)

ای ابو حمزه / چگونه / یکی از شما برای یک سفر چند فرسنگی رهنمایی می‌طلبد. در حالی که تو به راه‌های آسمان بی‌خبرتر از راه‌های زمین هستی پس برای خود رهنمایی [آسمانی] بجوی.

در منظومه‌ی مبارک اهل عصمت و طهارت (ع) پس از چهارده معصوم (ع) چندین شخصیت بزرگ در مراتب معنوی چنان اوج گرفته‌اند که جلال و جمال ولایت و امامت از آینه‌ی تابناک وجود مقدسشان جلوه‌گر است. به همین سبب آن‌چه گویندگان درباره‌ی ایشان سروده‌اند هم‌طراز اشعاری است که در مدح معصومان (ع) سروده شده است و از جهت ارزش ادبی و محتوای کلامی و مبانی معرفت‌شناختی با آن‌ها برابری می‌کند.

بسیاری از قصایدی که در مدح حضرت زینب (س)، حضرت ابوالفضل (ع) و حضرت علی اکبر (ع) سروده شده دارای چنان ویژگی‌هاست، همچنین شخصیت بلند و تابناک حضرت امیر احمد بن موسی‌الکاظم (ع) کوکب رخشنده‌ای در منظومه‌ی نورانی اهل بیت است.

داور در کتاب ارشاد می نویسد: «احمد بن موسی (ع) بخشنده و پرهیزگار بود و حضرت موسی بن جعفر (ع) او را دوست می داشت و آبادی معروف به "سیره" را به ایشان بخشید.»
آن حضرت هزار بنده در راه خدا آزاد فرمود.

"سید محمد باقر اصفهانی" در رجال خود آورده است: «سید پاک، بزرگوار و نژاده احمد بن موسی (ع) فرزند جعفر (ع) فرزند محمد (ع) فرزند علی (ع) فرزند علی بن ابیطالب (ع)، سروری بخشنده و پرهیزگار و بزرگوار و دانشمند بود و پس از رضا علی السلام امین ترین و محبوب ترین فرزندان موسی الکاظم (ع) بود و گفته شده که او هزار بنده در راه خدا آزاد فرمود».

محمد باقر اصفهانی به طور مستند از برادر آن حضرت اسماعیل بن موسی (ع) نقل می کند که پدرم فرزندان را به سوی بخشی از دارایی اش در مدینه فرستاد و ما نیز آن جا بودیم. بیست تن از غلامان پدرم در خدمت احمد (ع) بودند. اگر احمد بر می خاست آن ها با او بر می خاستند و اگر می نشست آن ها نیز با او می نشستند.

ام احمد مادر آن حضرت داناترین، پرهیزگارترین و محبوب ترین همسر حضرت موسی بن جعفر (ع) بوده اند و ودایع و اسرار امامت نزد ایشان بود که پس از شهادت امام هفتم آن ها را به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) تسلیم کردند.

حضرت سید السادات احمد بن موسی (ع) از چنان مقبولیت و امتیازی برخوردار بودند که پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) (۱۸۳ ه. ق) مردم بر در خانه ای ام احمد گرد آمدند و حضرت سید امیر احمد را با خود به مسجد بردند؛ زیرا ایشان را از جهت جلالت قدر و پدید شدن کرامات و خوارق عادات و کثرت عبادات جانشین پدر و هشتمین حجت الهی تصور می کردند. به همین سبب به عنوان خلیفه ای به حق و امام وقت با ایشان بیعت کردند. آن حضرت بیعت شیعیان را پذیرفتند؛ سپس بر منبر برآمدند و خطبه ای رسا و زیبا انشاد فرموده با تاکید این که حاضران به غایبان برسانند فرمودند:

«ای مردم هم‌چنان که اکنون تمامی شما در بیعت من هستید من خود در بیعت برادرم علی بن موسی(ع) می‌باشم. بدانید بعد از پدرم برادرم علی(ع) امام و خلیفه‌ی به‌حق و ولیّ خداست از خدا و رسول بر من و شما واجب است که امر آن بزرگوار را اطاعت کنیم و هر چه فرماید گردن نهیم».

سپس در فضایل و جلالت قدر برادرشان سخن گفتند. حضرت امیر احمد در پایان خطبه‌ی خود بیعت خود را از مردم برداشتند و به اتفاق دولت‌مردان به سوی دولت‌سرای حضرت امام رضا(ع) روانه شدند. همگی بر امامت و خلافت الهی با آن حضرت بیعت کردند.

حضرت رضا علیه السلام درباره‌ی برادر خود دعا کرده، فرمودند:

«هم‌چنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد».

درباره‌ی تشریف فرمایی حضرت سید امیر احمد(ع) به شیراز دو هدف یاد شده است: اول دیدار با برادر خود حضرت امام(ع) در خراسان؛ دوم اطلاع یافتن آن حضرت از توطئه‌ی مأمون ناپاک برای از میان برداشتن امام علیه‌السلام.

آن‌چه مسلم است این‌که وقتی کاروان احمدی به شیراز رسید، امام رضا(ع) به شهادت رسیده بودند و همین امر سبب کارزار حضرت امیر احمد با گماشتگان مأمون شد.

آن حضرت همراه دو تن از برادران خود محمد و حسین علیهم‌السلام و گروهی انبوه از برادرزادگان و خویشان و شیعیان که تعداد ایشان را دو یا سه هزار نفر نوشته‌اند، از طریق بصره روی به خراسان نهادند. از هر شهری که می‌گذشتند بر تعدادشان افزوده می‌شد به-طوری که بعضی مورخان همراهان آن حضرت را تا پانزده هزار نفر نوشته‌اند.

مأمون از حرکت این کاروان آگاه شد؛ احساس خطر کرد و به حکمرانان خود دستور داد هر جا قافله‌ی بنی‌هاشم را یافتند نگاه دارند و به مدینه بازگردانند یا ایشان را از میان بردارند.

کاروان منزل‌های راه را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت تا به شیراز رسید. حاکم فارس قتلخ خان با لشکری گران از شهر خارج شده، در برابر کاروان حضرت امیر احمد(ع) اردو زد.

در این هنگام به آن حضرت اطلاع دادند که اگر قصد دیدار برادر خود امام رضا(ع) را دارید ایشان به شهادت رسیده‌اند.

شرایط به گونه‌ای شد که کاروان احمدی راهی جز دفاع از خود نداشت. از یک سو امام رضا(ع) شهید شده بودند و از سوی دیگر بازگشت به مدینه از برابر آن گرگ‌های خون‌خوار امکان‌پذیر نبود. چرا که بازگشت چنین کاروانی خشمگین از شهادت امام علیه السلام خلافت عباسی را با خطری بسیار جدی روبه‌رو می‌کرد حداقل این که مأمون پلید را از میان برمی‌داشت و کارها از ... دیگر می‌شد.

حضرت امیر احمد(ع) یاران را به حضور طلبیدند و فرمودند: قصد این دشمنان ریختن خون فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام است. هر کس از شما مایل به بازگشت باشد یا راه فراری شناسد می‌تواند از این مهلکه جان به سلامت برد. من راهی جز جهاد با این اشرار ندارم. این جدال در سه نوبت ظرف چند روز در ناحیه‌ی کشن ادامه داشت. لشکر قتلغ چندین بار شکست سختی خورد. دشمنان مزدور دیدند که در برابر عشق، فداکاری و ایمان یاران آن حضرت کاری از پیش نمی‌برند. ناچار دست به نیرنگ زدند به این ترتیب که قتلغ گروهی از سپاهیان جنگ آزموده را با شیوه‌ی جنگ و گریز به مقابله با سپاه احمدی فرستاد و به آن‌ها دستور داد که در اولین درگیری خود را به شکست بزنند و عقب‌نشینی کنند و به سوی دروازه‌ی شیراز باز گردند.

یاران حضرت امیر احمد(ع) با این نیرنگ به شهر درآمدند. دشمن حمله‌گر دروازه‌ها را بست و سپاهی که در جای شهر کمین کرده بود بر یاران آن حضرت یورش برد و هر یک یا هر دسته را در نقطه‌ای از شهر به شهادت رساندند.

مرقد نورانی حضرت سید امیر احمد(ع) سال‌ها ناپیدا بود. روایات در باب پیدا شدن آن دو دسته است:

دسته‌ای شفاهی و دسته‌ای کتبی و مستند.

به اعتبار روایات شفاهی تاریخی (Oralhistory) تربت مطهر احمدی در روزگار امیر عضدالدوله ی دیلمی پیدا شد. گرچه این ماجرا در کتاب بحر الانساب هم نقل شده است؛ اما به اعتبار این که منابع دیگر چنین واقعه‌ای را نقل نکرده‌اند طبعاً به روایت شفاهی نزدیک‌تر است. به گزارش این کتاب در ثلث آخر شب‌های جمعه از تپه‌ای خاکی که اینک مرقد پاک آن حضرت است، نوری می‌درخشید. منبع این خبر پیرزنی ساکن آن کوی بود. کارگزاران امیر، ماهیت این خبر را شایعه‌ای تلقی کردند که آن پیرزن برای دستیابی به امیر عضدالدوله دستاویز خود کرده است. ماجرا را جدی نگرفتند؛ اما امیر قضیه را تعقیب کرد و دور از چشم درباریان مهمان پیرزن شد و از او خواست به محض درخشیدن نور امیر را خبر کند. همین که نور تابیدن گرفت پیرزن با شادمانی به بالین شاه رفت و فریاد کشید: شاه! چراغ!

امیر برخاست و آن نور رخشان را مشاهده کرد. شگفت‌زده بر آن تپه برشد؛ اما اثری از نور ندید. همین که به کلبه‌ی پیرزن برگشت دوباره آن نور درخشیدن گرفت و امیر را در شگفتی بیش‌تر فرو برد و باز او را به سوی تپه کشانید. خلاصه این رفت و آمد هفت بار تکرار شد و هر بار بر اعجاب او افزود.

امیر مات و مبهوت به دربار بازگشت و در اندیشه‌ی آن چه دیده بود به خواب رفت. در خواب سیدی جلیل‌القدر را زیارت کرد که از او پرسید: ای امیر در چه اندیشه‌ای هستی؟ این محل دفن من است و من احمد بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام هستم.

دنباله‌ی ماجرا طولانی است؛ اما همین اتفاق سبب شد که او بارگاهی بر تربت مطهر ایشان بسازد. اما روایات مستند تاریخی آشکار شدن تربت مطهر حضرت شاه چراغ علیه‌السلام را در روزگار اتابکان بین سال‌های ۶۲۳ تا ۶۵۸ می‌دانند.

قدیمی‌ترین منبعی که درباره‌ی آشکار شدن تربت مطهر آن حضرت در آن گزارش جامع آمده کتاب شیرازنامه تألیف زرکوب شیرازی است. این رساله در سال ۷۶۴ ه‍.ق نوشته شده است. پس از آن کتاب: «شدّ الازار فی حطّ الاوزار عن زوّار المزار» نوشته‌ی معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی است که فرزندش عیسی بن جنید آن را زیر عنوان هزار مزار ترجمه

کرده است. این دو کتاب نیز واقعه‌ی آشکار شدن تربت مطهر حضرت سید امیر احمد(ع) را هم‌سان با زرکوب گزارش کرده‌اند.

چهره‌ی بسیار خوش‌نام و ماندگاری که برافراشتن بارگاه احمدی در روزگار او اتفاق افتاد و این افتخار جاودانه را نصیب برد امیر مقرب‌الدین مسعود بن بدر است.

استاد گران‌قدر شادروان دکتر عبدالوهاب نورانی وصال در ذیل صفحه‌ی ۳۲۴ کتاب هزار مزار که به تصحیح و تحشیه‌ی ایشان آراسته شده است(شیراز، انتشارات احمدی، ۱۳۶) درباره‌ی این امیر نیکوکار نوشته‌اند که او یکی از دو وزیر اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی و یکی از دو رکن دولت او بود. وزیر دیگرش امیر فخرالدین ابوبکر بن ابونصر حوایجی ممدوح سعدی است. این دو امیر قطب مملکت و مدار سلطنت اتابک ابوبکر بودند.

امیر مقرب‌الدین مردی متعهد بود؛ هیچ گاه نیت بدی درباره‌ی کسی نداشت؛ هر گاه بر دشمنان خود پیروز می‌شد ایشان را می‌بخشید؛ به همین سبب هرگاه گرفتار می‌شد به فضل حق رهایی می‌یافت. آثار خیر و بناهای عامه‌المنفعه از مسجد و مدرسه و دارالحدیث و دارالشفاء برای مردم شیراز بنا کرد.

اما عیسی بن جنید شیرازی آشکار شدن تربت مطهر حضرت سید امیر احمد را در کتاب هزار مزار چنین آورده است. جالب این‌که او آن حضرت را فرزند امام رضا(ع) خوانده است: «روضه‌ی متبرکه‌ی ابوعبدالله سید امیر احمد بن امام موسی الرضا علیهما التحیه و الثناء».

اهل تاریخ می‌گویند که: حضرت سید امیر احمد موسی الرضا علیه السلام در ایام خلافت مأمون بعد از وفات برادر بزرگوار به قتال مجوسان شیراز نزول فرمود و بدان که حضرت سید امیر احمد بن موسی الکاظم اجود برادران بود و می‌گویند که هزار برده از مال خود در راه خدا آزاد فرمود و می‌گویند که چون امیر احمد به شیراز تشریف آوردند شهید شدند و هیچ کس راه به مشهد معطر منور آن حضرت نمی‌برد تا زمان امیر مقرب‌الدین مسعود بن بدر قبر وی بیافتند و گنبدی بر سر قبر آن حضرت بساختند و روایت می‌کنند که قبر آن حضرت را چون یافتند حضرت را دیدند درست که رنگ مبارک وی برنگشته و هیچ تغییر نیافته بود و کفن آن حضرت همچنان تازه بود و

در دست وی انگشتی بود و بر خاتم شریف او نوشته بود (العهة لله احمد بن موسى عليه السلام) پس آن حضرت را بشناختند و بر آن گنبد بساختند و بعد از آن اتابک ابوبکر بلندتر از آن کرد و در چند صباح نور از آن می تافت چنان که بسیار کس می دیدند بعد از آن ملکه معظمه و خاتون مفرمه خیره طیهی عابدهی متعجده تاشی خاتون گنبدی بلندتر از آن ساخت و در جنب آن مدرسهی عالییه بنا کرد و مرقد خود در همسایهی آن بساخت در سال هفتصد و پنجاه از هجرت رحمت الله علیهم.

بارگاه احمدی همیشه مورد توجه و علاقهی ویژهی شیرازیان بوده است. ابن بطوطه در سفرنامهی خود توصیف جالبی از حرم آن حضرت آورده است. او دو بار در سالهای ۷۲۷ و ۷۴۸ به شیراز سفر کرده و از آداب و مراسمی که در حرم آن حضرت برگزار می شده دقیق گزارش کرده است. به نوشتهی او بعد از ظهرهای یکشنبه قاضیان و عالمان و ملکه تاشی خاتون و طبقات مختلف مردم در آن مکان شریف حضور می یافته اند و قرآن را ختم می کرده اند. در پایان مراسم با طعام و شیرینی از حاضران پذیرایی می کرده اند و آخر کار همانند دربار پادشاهان طبل ها و نقاره ها در نزدیکی بقعهی مبارکه به صدا در می آمده است.

از جاذبه های بارگاه احمدی معماری تحسین برانگیز آن است که آینه ای از عشق و ارادت استادان و هنرمندان به ساحت پاک اهل عصمت علیهم السلام است. جا دارد که از دو معمار بزرگ این بنای الهی یاد کنم. مرحوم استاد علی محمد فصحتی و فرزندش مرحوم استاد عبدالعلی فصحتی که سال های دراز با عشق و ارادت هنر میراثی خود را در طبق اخلاص گذاشتند و به زیبایی و دلنوازی این بنای با شکوه برافزودند. آثار برجستهی شادروان استاد عبدالعلی فصحتی مثل سردر بزرگ شمالی، رواق های الحاقی گنبد زیبا و کم نظیر و گل دسته های آن پنج کاسه ی معلق بالای سر مبارک و رسمی ها و یزدی بندی ها و ... از ماندگارترین آثار کم نظیر مکتب شیراز است. رساله ی حاضر نیز صورتی از معماری زیبای روح و دل ارادتمندان است که در قالب کلمات، هندسه ای از جاودانگی عشق و ایمان را به جلوه در آورده است.

توفیق روزافزون گردآورندگان این منظومه‌ی مبارک خانم‌ها: مرضیه مرادی و معصومه مرادی را از خدای مهربان درخواست می‌کنم.

برکات روح مقدس حضرت سید امیر احمد علیه‌السلام بر همه‌ی ارادتمندان خصوص شیرازیان عزیز افزون باد.

چه احشام بودیش از این که در ساعت به چشم لطف نظر بر من گدا داری

غبار بارگاه احمدی محمد یوسف نبیری

سه شنبه ۹۰/۵/۱۸ برابر با هشتم رمضان المبارک ۱۴۳۲

شیراز مینو طراز

از بهار نارنج‌ها می‌گذری و نفس می‌کشی عشق را از کوچه پس کوچه‌های شیراز؛ شمیمی دل‌نوازتر تو را به سوی خود می‌کشد و عاشقانه پروازت می‌دهد. بویی آشنا و روح‌نواز که هر لحظه آرامش جانت را بیش‌تر می‌کند و شوق پرواز در حریمش را بیش‌تر. میان زیبایی‌های شیراز چشم‌هایت خیره به جایی می‌ماند که از همه جا زیباتر، نورانی‌تر، دل‌نواز تر و روح‌افزاتر است، جایی که هر دل‌شکسته‌ای را به سوی خود می‌خواند، هر دشمنی را دوست می‌گرداند و هر دوستی را عاشق. صدای فواره‌های صحن و تالو نور در آب حوض با رنگ‌آمیزی ماهی‌های قرمز برق چشمانت را بیش‌تر می‌کند. سر بر می‌گردانی سمت گل‌دسته‌ها که چه عارفانه پیچ خورده‌اند دور بازوی آسمان و پروازت می‌دهند بر بلندترین نقطه‌ی جهان هستی. گنبد را نظاره‌گر می‌شوی و پاهایت سست از اشتیاق. خود را که به صحن می‌رسانی دیگر توان قدم برداشتن نداری و مبهوت می‌شوی در زیبایی آمیخته با عظمتش و اشک در چشم‌هایت حلقه می‌زند تا عشقت را خالصانه به پای عزیزترین برادر امام مهربانی‌ها بریزی و آرام زیر لب زمزمه می‌کنی:

السلام علیک یا سیدالسادات الاعظم، یا احمد بن موسی الکاظم(ع)

ایران همواره مهد بزرگان، شاعران و فرهیختگانی است که از دیرباز تاکنون با عشق جاودانی خود به اهل بیت علیهم السلام، نفس کشیده‌اند و زیباترین آثار خود را وقف بزرگواری خاندان کرم کرده‌اند. در این میان از آن‌جا که در قلب خود سیدالسادات الاعظم احمد بن موسی الکاظم(ع) عزیزترین برادر امام مهربانی را مانند نگینی ارزشمند پاس می‌دارد، از گذشته مورد توجه خاص هنرمندان و فرهیختگان این مرز و بوم بوده است. به‌خصوص شاعران گران‌قدری که از آن‌روزها تا حال عشق خود به آن حضرت را در بیت اشعارشان گنجانده‌اند و به پای‌بوسی ایشان آمده‌اند. با توجه به پررنگ شدن نقش اشعار احمدی در میان اشعار آیینی، به‌خصوص در عصر حاضر، بر آن شدیم تا اشعار سروده شده

درباره‌ی حضرت شاه‌چراغ (ع) را جمع‌آوری کرده، در دست دوست داران و محبان آن بزرگوار قرار دهیم. پیش از این نیز تعدادی از شعرهای سروده شده درباره احمد بن موسی الکاظم (ع) در کتاب «با اسلیمی‌های گنبد نیلی» چاپ و منتشر شد. در این کتاب سعی شده است بهترین سروده‌ها با محوریت شاه‌چراغ (ع) از شاعران گذشته تا حال گنجانده شود و در ابتدا نیز به‌طور مختصر ویژگی‌های ساختاری، زبانی و محتوایی این اشعار و سهم شعر احمد بن موسی الکاظم (ع) در شعر آیینی مورد بررسی قرار گرفته است. امید است که مورد رضای آن والامقام و دوست‌داران ایشان قرار گیرد.

در پایان از هم‌کاری صمیمانه‌ی آقایان استاد محترم دکتر محمد یوسف بنیری (استاد دانشگاه شیراز)، دکتر محمد مرادی (عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز)، دکتر مهدی خیراندیش (عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور شیراز)، سید مجتبی جعفری‌زوجه (مدیر انتشارات رخسید)، محمد مهدی اسدزاده (سرمدیر نشریه شهر سبز) سپاس‌گزاری نموده، از خداوند متعال توفیق روزافزون ایشان را خواستاریم.

مرضیه مرادی - معصومه مرادی

مردادماه ۱۳۹۳ شیراز

نگاهی گذرا به ویژگی‌های اشعار سروده شده در ستایش حضرت احمد بن موسی الکاظم
شاه چراغ علیه السلام

مرضیه مرادی
معصومه مرادی

مقدمه

از زمان ظهور اسلام در ایران و گرویدن مردم کمال پرست این سامان به این دین ناب الهی تا کنون، بزرگان بی‌شماری در حوزه‌ی عرفان و تصوف، فقه و اصول، کلام، تفسیر و سایر مباحث دین‌شناسی پا به عرصه گذاشتند و مورد توجه مردم قرار گرفتند؛ اما جدای از این بزرگان، اشخاصی هم با آشنایی با این علوم و ورای آن‌ها به حیات دینی مردم خدمت کرده‌اند که از قاموسی دیگر بودند و عشق به آن‌ها برای مسلمانان و به ویژه ایرانیان رنگ و بویی دیگر داشته است.

اگر روی آوردن همگانی مردم ایران به مذهب تشیع در دوره‌ی صفویه نادیده گرفته شود، باز هم این عشق و شور حضوری جدی دارد. عشق به امامان شیعه علیهم السلام که منشأ تمام خوبی‌ها در عصرهای مختلف بوده‌اند؛ چیزی نبود که فقط در گرو مذهب افراد باشد و چه بسا بسیاری از بزرگان سایر مذاهب اسلامی با دیدن کمالات این بزرگان عاشقانه به آن‌ها دل دادند و بسیاری از معارف مذهب خود را از سرچشمه‌ی زلال این امامان همام یافته‌اند.

عطار شاعر و عارف سنی مذهب، در کتاب تذکره الاولیاء خود از امام جعفر صادق علیه السلام سخن می‌راند و یا هم او در جایی دیگر برای امام حسین علیه السلام مرثیه می‌سراید:

کیست حق را و پیمبر را ولی؟	آن حسن سیرت، حسین بن علی
آفتاب آسمان را معرفت	آن محمد صورت و حیدر صفت
نه فلک را تا ابد مخدوم بود	زان که او سلطان ده معصوم بود
قره‌ی العین امام مجتبی	شاهد زهرا، شهید کربلا
	(احمدی بیرجندی، ۱۳۶۹: ۲۷)

از دیگر شاعران و یا بزرگان که در مدح ایمه علیهم السلام سخن رانده‌اند می‌توان به سیف فرغانی، قوامی رازی، خواجوی کرمانی، ابن یمین فریومدی، سلمان ساوجی، محمد بن حسام خوسفی و بابا فغانی شیرازی اشاره کرد. حاصل کلام آن که نمود این دل‌دادگی در میان تمام فرقه‌های اسلامی مثال زدنی است.

در کنار این دوازده تن، سایر فرزندان امامان نیز دارای مقام‌هایی والا بوده‌اند و به همین سبب مورد توجه شاعران قرار گرفته‌اند. یکی از این بزرگان حضرت احمد بن موسی الکاظم (ع) است که به سبب مقام والای خود همواره بر آستانش سر ارادت ساییده‌اند و بر ضریح تابناکش دست‌گذاری یازیده‌اند و آن‌چنان بزرگواری‌ها از او دیده‌اند که او را سید سادات اعظم نامیده‌اند.

بی‌شک شعر یکی از مهم‌ترین ابزارهای هنری بیان احساسات است. دنیای متفاوت شعر و تخیل مواج شاعر این فرصت را به وی می‌دهد تا با کمک گرفتن از تصویرهای فرادنیایی آن‌چه را که در درون خود نهفته دارد به زیبایی به ظهور برساند و آن را جاودانه سازد. سرایش شعر برای مقام این امام‌زاده‌ی گران‌قدر نیز از نمودهای دل‌دادگی ایرانیان به خاندان رسالت است.

در این‌که از چه زمانی مدح حضرت شاه‌چراغ به طور مستقل وارد شعر فارسی شد جای تردید است؛ اما قدیمی‌ترین نمونه‌ای که در این پژوهش از آن یاد شده است غزلی است متعلق به شاه‌داعی شاعر و عارف بزرگ قرن نهم هجری:

چو خواستی که به رویت شود دردل باز	امام احمد موسی‌الرضا وسیلت ساز
اگر نه احمد موسی‌الرضا پناه شدی	خراب بودی احوال مردم شیراز
به هر مراد که کردی زیارت قبرش	رسی به حاجت خود از خدای بنده‌نواز
بیا و از سر اخلاص خویش فاتحه‌خوان	در آن مزار و بزار و بگوی با حق راز
امید بند چو داعی به فیض این سید	به شرط آن که نهی سر بر آستان نیاز

(مرادی، ۱۳۹۲: ۵۴)

و پس از آن به ویژه با رواج مذهب تشیع از دوره‌ی صفویه، سرایش شعر در مدح و منقبت این امام‌زاده رو به فزونی نهاد و شاعرانی چون وقار شیرازی، وصال، داور، راز شیرازی، محمد باقر اثنی‌عشری، شوریده شیرازی، فرهنگ وصال و غیره به مدح این شخصیت پرداختند و تا کنون سرودن شعر برای حضرتش از مضمون‌های مورد توجه شاعران ایرانی و به‌خصوص شیرازی به حساب می‌آید.

در این گفتار سعی بر آن شده است که شعرهای سروده شده در مدح ایشان، از هشتصد سال پیش تا کنون در حوزه‌های محتوا، وزن، قالب و ساختار بررسی شود.